

گفت و گو با امیر دژاکام، کارگردان نمایش رویاهای خلیج فارس

متلک سیاسی تمجید می آورد!

• شما بابایی •

تحلیلات نویسنده در این نمایش چنان در هم تنیده شده است که غم‌ها و شادی‌های انسانی، بی‌روزی‌ها و شکست‌ها، عشق‌ها و ناگامی‌ها همه و همه در چرخ‌های تراژدی و کمدی در هم آمیخته شده است تا نمایشی تراژیک-کمدی را خلق کند.

این روزها «امیر دژاکام» نمایش رویاهای خلیج فارس را بر صحنه اصلی تئاتر شهر دارد. «روایه‌های خلیج فارس» حکایت خیال‌بازی انسان‌هایی است در جزیره هرمز که هر یک به دنبال خواسته‌های تلاش می‌کنند تا به آرزوهای خود برسند.

تمثیلی اجرا می‌شود اما در راستای اهداف دراماتیک متن به خدمت گرفته شده این مسأله در تمام متن وجود دارد. در نمایش «جنی» به تصویر کشیده شده که مانع آباد کردن است و «مختار» در جایی به او می‌گوید که تو چه دشمنی‌ای با ما داری که مانع از ساختن و آباد کردن می‌شوی و با زمانی که «شاهزاده» می‌گوید: «وقتی ساختن در کار نباشد، مردم گرسنه می‌مانند و گرسنه‌ها را راحت می‌شود در بند کرد اینها جزو لاینفک تحلیل‌های اثر هستند که به مقدار مورد نیاز از آن بهره گرفته شده است. مراسم را نیز تنها در چند دقیقه پایانی اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد و تنها پیش درآمد این مراسم به تصویر کشیده شده است. منی خواهیم بگویم که با نمایش این مراسم فقط نمی‌خواستیم تماشاگر را جذب کنیم و کلاما در خدمت متن بود.

■ تنظیم موسیقی همین بخش بسیار زیباست و اصولاً موسیقی در این اثر نقش مهمی را ایفا می‌کند. آنتونر که گاه این متن شکل نمایشی موسیقی را به خود می‌گیرد این اتفاق به شکل آگاهانه رخ داد یا ضرورت متن بود؟

موسیقی در تمامی کارهای ما یکی از ارکان نمایش است ضمن اینکه اصولاً خصیصت نمایش‌های ایرانی به گونه‌ای است که موسیقی نقش مهمی در آن ایفا می‌کند. ما در این نمایش تلاش کردیم تا موسیقی‌ای که در مراسم آیینی مردم جنوب ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد را معاصر سازی کنیم به همین خاطر است که شکل و فرم‌های آن را کاسترها مدرن هستند سازبندی و ترکیب ملودی‌ها نیز مدرن هستند.

■ آشنایی شما با موسیقی در این بین چه نقشی داشت؟
به علت مورسیس بودن پدرم من از کودکی با این هنر آشنا بودم و از طرفی در دانشگاه نیز شاگرد آشنایی چون فرهنگ‌شناس روان‌ریاضی و بودم اما موسیقی این نمایش حاصل تلاش‌های آهنگساز اثر - محسن میرزایی - است که در طول تمرینات تلاش‌های بسیاری انجام دادند. او لحظه به لحظه ما را در تمرینات همراهی می‌کرد تا عاطفه‌های بازیگران و معانی مورد نظر من را درک کند. موسیقی‌ای که او ساخت کلاماً منطبق با سبک و سبب من بود و بارها قطعاًش را آورد می‌کرد و آن را تغییر می‌داد.

■ موسیقی در این نمایش به صورت زمانبندی شده کار شده و در بخش‌های مختلف با تغییرات متفاوت همراه است که به افق

معانی برای فعالیشان وجود نداشته باشد. من همیشه تلاش کرده‌ام تا فرایغ از تغییر و تحولات سیاسی به عنوان یک هنرمند آینه اجتماع باشم و در این میان ناچار از فهمیدن. یعنی من می‌فهمم و بر اساس درک خودم عمل می‌کنم. من نمی‌توانم هیچ اثری را به روی صحنه ببرم مگر آنکه ضرورت آن را در زندگی ام احساس نکرده باشم.

■ یعنی اجرای رویاهای خلیج فارس برایتان یک ضرورت بود؟
کلاماً این نمایشنامه مدت‌ها بخشی از زندگی من شده بود. به نظرم متن پر از دغدغه‌های اجتماعی انسان معاصر است. به همین خاطر است که با وجودی که ما تا کنون حتی یک ریال هم به عنوان دستمزد دریافت نکردیم اما گروه تلاش‌های شبانه روزی داشت تا اثر به نتیجه برسد.

■ به نظر می‌رسد که تسلط کارگردانی بر متنی که اجرا می‌شود به وضوح احساس می‌شود در واقع نوازنی میان متن و اجرا وجود ندارد. راهی برای حل این مشکل وجود نداشت؟

به هر حال مجموعه اثر ما مشکلاتی دارد اما متن «سپروس کهوری نژاد» پر از صور خیالی است که به من اجازه می‌دهد تا کارهایی را انجام دهم تا آن صور را به تصویر بکشم و شاید به همین خاطر است که این حس به وجود می‌آید «روایه‌های خلیج فارس» در فضای پر از وهم و رویا و آرزوهای گوناگون همراه با احترام به طبیعت و خاک است یعنی «خاک» هم دریا «تاری» روح و ارزش هستند. استقامت و رویا داشتن به شکل شریفی در نمایش ارزشمند است. من برای اجرای این نمایش تمام تلاشم را انجام دادم تا بتوانم این رویا را به تصویر بکشم. اگر طلوع و غروب آسمان جزیره هرمز را مشاهده کرده باشید با رنگ‌هایی روبه رو می‌شوید که نمونه اش مطلقاً در هیچ کجای دیگر وجود ندارد. می‌خواستیم این زیبایی را به تصویر بکشیم. از طرفی شبوریدگی و هیجانی بودن این آدم‌ها به هیچ‌جایی بودن صحنه‌هایی که در نمایش وجود دارد، کمک می‌کند و شاید مجموع این عوامل است که چنین حسی را به وجود می‌آورد.

■ در این نمایش از مراسم «زاز» نیز کمک گرفته شده است. به نظر می‌رسد که این مراسم آیینی در هنر شهری این روزها مورد سوء استفاده و تحریف قرار گرفته است تا تنها بتواند تماشاگر را با خود همراه کند. چه تمهیدی اندیشیده‌اید تا اجرای این مراسم در نمایش به چنین ورطه‌ای نیفتد؟

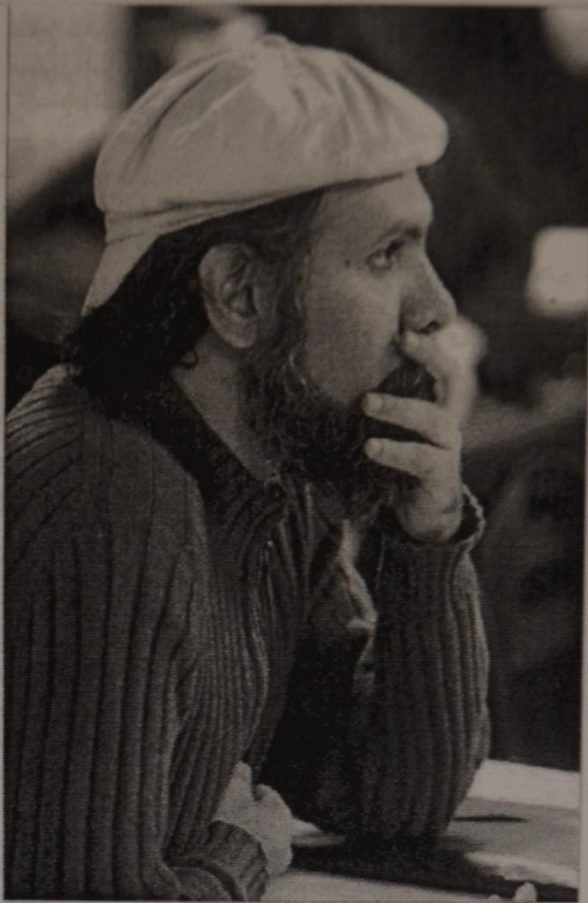
در رویاهای خلیج فارس مراسم «زاز» به صورت

■ چزارویه‌های خلیج فارس این سوال را از این جهت می‌پرسم که این تصور وجود دارد که به خاطر میزبانی‌ها و مشکلات موجود در راه اجرای نمایشنامه‌های اجتماعی. کارگردانان به سوی اجرای متن‌های انترتینی و یا متون خارجی می‌روند.

گاهی وقت‌ها آدم باید زندگی کند و سیاست رد می‌راندی که وجود دارد و گاهی در تئاتر نیز بسیار به چشم می‌خورد. چهره تئاتر را مخوش کرده است. از طرفی پیشینه گروه «ماهان» تئوری‌های آن نشان می‌دهد که ما به صورت مداوم در متن‌های این جنبی فعالیت کرده‌ایم. از طرفی گاهی سیاست زندگی قراطی‌ای که در فضای تئاتر ایران رسوخ کرده باعث شده است تا نمایشی که با هیچ معیاری زیبا نیست، کارگردانی خوب و بازیگری مناسبی ندارد صاحب اجرا نیست و قدرت ماندگاری ندارد تنها به خاطر پرلین چند متلک سیاسی که در متن وجود دارد نمود تعریف و تمجید قرار می‌گیرد. گاه نیز عکس این قضیه پیش می‌آید. کارهایی که از هیچ شاخصه زیبایی‌شناسی برخوردار نیستند تنها به دلیل منادحی و ستایش برخی شخص‌های روز مورد توجه قرار می‌گیرند. در حالی که تئاتر فرای سیاست و هنری صفر در صد انسانی و فرهنگی است.

■ منی خواهم بگویم رسالت «تئاتر» اصلاح جامعه است و یا این هنر الزام دارد که مانند آیین اجتماع عمل کند یا آلوده به سیاست‌زدگی شود اما به هر حال این هنر می‌تواند نقش و تاثیر مهمی در بیان و حسی اصلاح ناهنجاری‌های اجتماعی داشته باشد.

مواقف اما این تنها یکی از کارکردهای تئاتر است. فراموش کنید که حوزه اجتماعی امروز ایران، چادرهای ترکمن نیز هست. مرز نشینان و روستائیان‌ها نیز جزو گروه‌های اجتماعی ما به حساب می‌آیند و باید مسائل و دغدغه‌های آنان نیز مطرح شود. در واقع حوزه اجتماعی تنها به یک آپارتمان در حیثه شهر تهران محدود نمی‌شود. چه کسی مگر این موضوع است که جزیره هرمز هم بخشی از حوزه اجتماعی ایران است؟ بنابراین هنر - هر هنری - باید به شکلی جامع‌نگاهی به تمام مسائل جامعه داشته باشد. از مسأله‌ای چون نفت و یا معادن گرفته تا روان‌شناسی انسان معاصر همچنین مشکلاتی که در حوزه‌های اجتماعی وجود دارند. ضمن اینکه نباید این نکته را فراموش کرد که همان طور که لازم است تا این مسائل بیان شود، اما سایر سلیقه‌ها نیز باید بتوانند به حیات خویش ادامه داده و



موجود، مشکلی پیش نخواهد آورد؟

تصویرها به شکل مستقیم و زنده بخش می‌شوند چرا که آکس می‌خواستیم تصویرها را به صورت اصلی بکامپه اجرا درآوریم. عدم مطابقت عاطفی به وجود می‌آورد و به کار لطمه می‌زند ما نیاز داریم تا چهره بازیگر و عواطف زیربوستی او به نمایش گذاشته شود. استفاده از صحنه‌های پلیس یک تنها دو بار اتفاق می‌افتد؛ یکی در رابطه با بانوی آب‌و دیگری در صورت رضا ایرانش که فاصله‌اش با تماشاگر زیاد بود چون نوع بازی در این دو صحنه به گونه‌ای است که به ما اجازه درشت‌نمایی نمی‌دهد. ناچار از تکنولوژی بهره برده‌ایم.

■ این شکل کار، شبیه نوعی پرده‌خوانی است که در آن پرده‌خوان به تئوپ نیاز به درشت‌نمایی و تاکید روی موضوعی خاص می‌پردازد.

کاملاً این پرده‌ها از منظر سینمایی دارای لانگ‌شات و کلوزآپ هستند و پرده‌خوانان به اقتضا اینها را حرکت می‌دهند. در این نمایش نیز ما از همین شیوه استفاده کردیم و حتی در صحنه‌های تصویر از بالا یا وسعت زیاد گرفته شده است که با توجه به امکانات محدود تئاتر شهر، کار دشواری بود.

■ به هر حال می‌گویید که بر دشواری‌ها غلبه کرده‌اید اما همین امکانات محدود ممکن است مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای در طول اجرا به وجود بیاورد.

اگر از ده‌هات بر، ره / عشق است چون زمره / سینما به هر حال تمرین تئاتر واقعا طاققت فرساست من با وجودی که مایل بودم در دو پروژه سینمایی حضور داشته باشم، به علت تمرینات این نمایش این امکان را نیافتیم، چون ترجیح فعالیت روی این نمایش بود. اکنون هم با وجود تمام مشکلات نواسته‌ایم بر بسیاری از مشکلات غلبه کنیم. ما در این سال‌ها بسیار بهانه‌گیر نشده‌ایم، در حالی که باید این موضوع را بپذیریم که زمانی که تئاتر کار می‌کنیم، نمی‌توانیم انتظار پول هنگفتی داشته باشیم ضمن اینکه ما الان کارگاه دکور یا لباس نداریم و به شکل کنی از امکانات کمی برخورداریم. درست است که باید این امکانات ارتقا پیدا کنند اما ما نمی‌توانیم منتظر آن روز باشیم و دست روی دست بگذاریم و هیچ فعالیتی انجام ندهیم. از طرفی برخی از دوستان تئاتری در این سال‌ها به حرکت ژورنالیستی روی آورده‌اند و گمان می‌کنند می‌شود با ارائه‌اندن چند بحث در این زمینه به راهکاری رسید. در صورتی که واقعیت چیز دیگری است.

مفاهیم مورد نظر به تماشاگر کمک می‌کند برای رسیدن به این هدف از کسترسیون چه نقشی ایفا کرد؟

قبل از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که موسیقی و از کسترسیون کاملاً در خدمت نمایش قرار گرفته است به همین خاطر است زمانی که حجم بصری نمایش بالاست، ترکیب موسیقی نیز از حجم بیشتری برخوردار است و وقتی نمایش به سمت سکون و مسکوت پیش می‌رود، موسیقی نیز چنین حرکتی را طی می‌کند و سازها به سمت اسولو نوازی می‌روند. چهار قطعه موسیقی واقعی در طول نمایش وجود دارد که در طول اتفاقات با آن برخورد می‌کند، مثل صحنه‌ای که شخص فقیر می‌خواهد دو نوازنده استخدام کند یا موسیقی‌ای که در مراسم زار مورد استفاده قرار می‌گیرند. دو قطعه فولک نیز در طول نمایش مورد استفاده قرار گرفته‌اند که در آن تصنیف‌های محلی به اجرا درمی‌آیند. اما تصور من و آهنگساز اثر این بود که موسیقی متن با از کسترسیون مدرن پویایی و نشاط بیشتری دارد.

■ در گروه بازیگران تغییراتی به وجود آمد برای مثال قرار بود «شهرین بیبا» که پیش از این نیز با شما همکاری داشت، در این نمایش باشد که این اتفاق رخ نداد.

چرخ خامه بیبا که برایشان مشکل پیش‌بینی شده‌ای به وجود آمد و ما در کمال ناباوری نتوانستیم از حضور او بهره بگیریم. از شروع تمرینات ۱۱ بازیگر در کارمان حضور داشتند که هم‌اکنون نیز در نمایش حضور دارند.

■ استفاده از تصویرهای زنده با توجه به امکانات و مشکلات